

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

دوره جدید- سال پنجم- شماره سوم- پاییز ۱۳۹۸- شماره پيوسته ۲۵

بررسی رده‌شناختی ساخت‌های سببی در ترکی آذری بر اساس الگوی رده‌شناختی کامری

(ص ۹۱-۱۱۲)

پریا رزم‌دیده (نویسنده مسئول)^۱، واحد یلچی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۱۶

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

سببی‌ها جزء جهانی‌های ذهن هستند و همواره در همه زبان‌ها خود را نمایان می‌سازند. از میان ابزارهای متعدد موجود در زبان‌ها برای بیان مفهوم سببیت، ساخت سببی ساخت‌واژی، واژگانی و تحلیلی در تمام زبان‌ها مشترک هستند. البته بسامد و میزان وقوع هر یک از این ساختارها از زبانی به زبان دیگر متفاوت است. هدف پژوهش حاضر توصیف و تحلیل انواع ساخت‌های سببی در ترکی آذری بر اساس الگوی رده‌شناختی کامری (۱۹۸۹) است و این‌که زبان ترکی آذری از چه ابزارهایی برای بیان مفهوم سببیت استفاده می‌کند. گونه زبانی مورد بررسی در این پژوهش در منطقه شمال غرب ایران در استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی تکلم می‌شود. در جمع‌آوری داده‌ها عمدتاً از روش کتابخانه‌ای و در صورت نیاز به داده‌های منتج از مصاحبه با ده گویشور (۵ مرد و ۵ زن) در رده‌های سنی ۴۵ تا ۸۰ سال از بی‌سواد تا تحصیل‌کرده استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد با توجه به دیدگاه‌های رده‌شناختی غالب می‌توان گفت در زبان ترکی آذری علاوه بر استفاده از انواع سببی‌های ساخت‌واژی، واژگانی، تحلیلی، همکردی، گفتمانی و ساخت‌های سببی مرکب، ساخت سببی ساخت‌واژی به دلیل ویژگی پیوندی بودن زبان ترکی بسیار زیاتر از انواع دیگر است و به طور بالقوه با افزودن وند سببی‌ساز می‌توان هر محمول غیرسببی را به محمول سببی تبدیل نمود.

کلمات کلیدی: ساخت سببی، سببی مضاعف، ترکی آذری، الگوی رده‌شناختی کامری.

^۱ استادیار گروه زبان‌شناسی و مطالعات ترجمه دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، ایران.

Email: p.razmdideh@vru.ac.ir

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Email: vahedyalchi@yahoo.com

۱. مقدمه

ساخت‌های سببی تأثیر بسزایی در تاریخ اخیر زبان‌شناسی داشته است. ساخت‌های سببی را می‌توان نقطه تلاقی زبان‌شناسی با فلسفه و مردم‌شناسی شناختی دانست، همچنین سببی‌ها نقطه‌ی تعامل نحو، ساختواژه و معنی‌شناسی هستند (کامری، ۱۹۸۹: ۱۶۵). اگر سببی واژگانی (lexical causative) را به عنوان نوعی ساخت سببی در نظر بگیریم، بهتر است بگوییم که هر زبانی در دنیا دارای ساخت سببی است (ویلی، ۱۹۹۷: ۱۹۲). امروزه سببی‌سازی جزء جهانی‌های ذهن انسان به شمار می‌آید و در زبان‌های مختلف به طرق متنوع ظاهر می‌شوند. از این‌رو، زبان‌شناسان کوشیده‌اند تا با بررسی ساخت‌های زبان‌های مختلف، تحلیلی نظری و مطابق با اصول دستور جهانی ارائه دهند. همهٔ زبان‌ها ابزار(هایی) برای بیان سببیت دارند، اما همواره مشابه یکدیگر نیستند، برخی زبان‌ها ابزارهایی ساخت‌واژی (مثل تصریف) دارند که فعل را به حالت سببی و یا صفت را به ساختار «شدن» تغییر می‌دهند. برخی زبان‌ها از صورت‌های غیر صرفی همراه با عبارات و افعال کمکی مدد می‌جویند. همهٔ زبان‌ها صورت‌های سببی واژگانی را دارا هستند (مانند کُشت / مُرد در زبان فارسی و یا raise / rise در زبان انگلیسی). علاوه بر ساخت‌های سببی واژگانی، ساخت‌های سببی دیگری بر اساس الگوی رده‌شناختی کامری در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است که عبارتند از: سببی ساخت‌واژی (morphological causative)، تحلیلی (analytic causative)، ساخت سببی مرکب و سببی همکردی (compound causative)، سببی گفتمانی (discoursal causative) و ساخت سببی مضاعف (double causative) است که در ادامه‌ی این پژوهش در بخش‌هایی جداگانه به ترتیب از پربسامدترین تا کم‌بسامدترین ساخت‌های سببی موجود در این گونهٔ زبانی مورد نظر بررسی می‌شوند. ویژگی‌های ساخت‌های سببی در زبان ترکی آذری بسیار نظام‌مند و از نظر رده‌شناختی حائز اهمیت می‌باشند. با بررسی مطالعات انجام‌شده در زمینهٔ ترکی آذری، مشخص گردید که این پژوهش می‌تواند در جهت تکمیل مطالعات پیشین باشد. علاوه‌براین، بررسی جامع ساخت‌های سببی از دیدگاه کامری (۱۹۸۹)، معرفی ساخت سببی مضاعف، بررسی پدیدهٔ برخورد زبانی و تغییر زبانی در اثر مجاورت ترکی آذری و فارسی را می‌توان از دیگر اهداف این پژوهش دانست. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به دو سؤال اصلی زیر است:

۱- زبان ترکی آذری از کدام‌یک از ساخت‌های سببی (واژگانی، تحلیلی، ساخت‌واژی و ...) برای رمزگذاری مفهوم سببیت استفاده می‌کند؟

۲- ساخت‌های سببی مضاعف در ترکی چگونه ساخته می‌شود؟

۲. پیشینه پژوهش

درباره ساخت سببی در زبان‌های مختلف و از جمله زبان فارسی پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. جنبه نوآوری این پژوهش از آن جهت است که تاکنون ساخت سببی و به‌ویژه ساخت سببی مضاعف در زبان ترکی آذری (در منطقه شمال غرب ایران در استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی) بررسی نشده است. در اینجا به برخی از مطالعات انجام‌شده درباره ساخت سببی پرداخته می‌شود که از جهاتی با پژوهش حاضر قرابت دارند یا متمایز از آن هستند.

دهقانی (۱۹۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «دستور تطبیقی فارسی و ترکی آذری» به یک بررسی مقایسه‌ای و مقابله‌ای میان ساخت‌های سببی ترکی آذری و فارسی پرداخته است. وی در این مقاله از نظر ساختاری انواع سببی‌های فارسی و ترکی آذری را معرفی نموده است. نکته مهمی که نگارنده بدان اشاره کرده است، الگوهای رده‌شناختی ساختارهای سببی در زبان ترکی است. وی اظهار می‌دارد که ترکی از دو الگوی نحوی و ساخت‌واژی برای بیان مفهوم سببیت استفاده می‌کند. مؤلف مقاله نامبرده تنها به معرفی ساخت‌های سببی پرداخته و آن‌ها را در دو زبان مقایسه کرده و تحلیلی در مورد این ساخت‌ها ارائه نداده است. نگارنده در بخشی از مقاله به محدودیت‌های سببی‌سازی اشاره می‌کند.

محدودیت‌های سببی‌سازی در زبان ترکی آذری عبارتند از محدودیت سببی‌سازی عبارت‌های دو مفعولی و محدودیت سببی‌سازی ساخت‌واژی. در بخش دیگری از این مقاله به معرفی ساخت‌های سببی مضاعف پرداخته شده است، همان‌گونه که در پژوهش حاضر سببی مضاعف در ترکی آذری مورد بررسی قرار گرفته است. دهقانی (۲۰۰۲) در کتاب خود با عنوان «دستور آذری ایرانی» به بررسی و معرفی آن شاخه از دستور زبان آذربایجانی پرداخته است که در قسمت‌های شمالی ایران تکلم می‌شود. زبان فارسی تأثیر فزاینده‌ای دارد. در این اثر پس از معرفی ساختارهای ترکی معادل‌های فارسی آن‌ها نیز معرفی گشته و در صورت لزوم مقایسه و مقابله انجام شده است. در بخش ساخت‌های سببی، سببی‌های ساخت‌واژی و نحوی و همچنین سببی مضاعف معرفی شده‌اند و در بخشی دیگر سببی‌سازی افعال مرکب در ترکی ارائه می‌گردد. خوش‌باطن (۱۳۸۵) در کتاب «مطالعه ساختار نحوی زبان ترکی از دیدگاه رده‌شناختی» به طور گسترده‌ای ساختار نحوی زبان ترکی را از دیدگاه رده‌شناختی مورد بررسی قرار داده است. نگارنده در بخش تحلیل داده‌ها بر اساس الگوی پیشنهادی کامری زبان ترکی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. وی شش ویژگی در مورد ترتیب قرار گرفتن اجزاء در جمله‌های ترکی ارائه کرده و در ادامه با توجه به این مؤلفه‌ها به بررسی و تحلیل جملات پرداخته است.

در بخش مربوط به ساخت‌های سببی، پس از معرفی این ساخت‌ها دو نوع ساخت سببی را در زبان ترکی ارائه می‌دهد: فعل سببی بی‌قاعده که معادل افعال با ریشه‌های نابرابر است؛ مثل (مُرد/کُشت در

فارسی) و افعال سببی باقاعده که با افزودن پسوند dUr به ریشه‌ی فعلی ساخته می‌شود. نی‌فر و حدیدی‌تمجید (۲۰۱۲) در مقاله «شبهات‌ها و تفاوت‌های میان سببی‌های مرکب و واژگانی در ترکی آذری» به بررسی ویژگی‌ها، ساختار، تفاوت‌ها و شبهات‌های سببی‌های واژگانی و مرکب در ترکی آذری از دیدگاه دستور نقش و ارجاع (role and reference grammar) پرداخته‌اند. در این چارچوب ساختارهای سببی بخشی از ویژگی‌های جهانی هستند و می‌توانند در یک زبان به اشکال مختلفی نمود پیدا کنند. گزینش ساختارهای سببی بر اساس جملات روزمره و نوشتاری جدید بوده است. پس از انتخاب داده‌ها، معانی و ارتباطات درونی آن‌ها به همراه نمایش واجی‌شان ارائه شده است. سپس داده‌ها در چارچوب دستور نقش و ارجاع تحلیل گشته‌اند. مهم‌ترین نتیجه‌ای که از تحلیل داده‌ها حاصل شده این است که سببی‌های واژگانی سببیت مستقیم را نشان می‌دهند، اما سببی‌های مرکب سببیت غیرمستقیم را. همچنین رابطه‌ی خاصی میان ویژگی‌های معنایی، نحوی و کاربردشناختی سببی‌های واژگانی، سببی‌های مرکب و روابط معنایی درون‌بندی وجود دارد. البته شایان ذکر است که در مقاله مذکور، در رده‌بندی سببی‌ها دیدگاه قابل قبولی ملاحظه نمی‌شود و در سببی‌های واژگانی و ساخت‌واژی خلط وجود دارد.

۳. روش تحقیق

این پژوهش تحقیقی توصیفی - تحلیلی است. بدین صورت که ابتدا با بررسی و مطالعه منابع مربوط به ساخت سببی، اطلاعات لازم و کافی جمع‌آوری شده است. سپس الگوهایی از این منابع استخراج گردیده تا با زبان ترکی آذری مطابقت داده شوند. روش گردآوری داده‌ها عمدتاً به صورت کتابخانه‌ای و استفاده از جملات و عبارات روزمره بوده است و در صورت نیاز به داده‌های بیشتر از ده گویشور بومی (۵ مرد و ۵ زن) در رده‌های سنی ۴۵ الی ۸۰ سال از کم / بی‌سواد تا تحصیل کرده هر کدام به مدت ۲۰ دقیقه مصاحبه شده است. در نهایت داده‌های مورد استفاده در این پژوهش به تأیید یکی از نویسندگان این پژوهش به عنوان گویشور ترکی آذری رسیده است.

۴. ساخت‌های سببی

ساخت‌های سببی از دیدگاه‌های رده‌شناختی مختلف مورد توجه زبان‌شناسان بسیاری قرار گرفته‌اند. دبیرمقدم (۱۳۸۸: ۱۴) در تعریف ساخت‌های سببی می‌گوید: «ساخت‌های سببی به مجموعه جملاتی اطلاق می‌گردد که در آن شخصی، حادثه‌ای یا پدیده‌ای محرک و انگیزه‌ای می‌گردد تا شخص دیگری یا شیئی عملی را انجام دهد، پذیرای حالتی شود و یا در حالتی باقی بماند». لیکاف (۱۹۸۷: ۵۵-۵۴) ویژگی‌های سببی نمونه‌اعلا را این‌گونه بر می‌شمارد:

- کنش‌گری (agent) وجود دارد که عملی را انجام می‌دهد.

- کنش‌پذیری (patient) وجود دارد که تغییر وضعیت جدید را پذیرا می‌شود.
- دو ویژگی بالا يك رخداد را تشکیل می‌دهند و هم‌پوشی زمانی و مکانی دارند و با یکدیگر مرتبط‌اند.
- قسمتی از آنچه که کنش‌گر انجام می‌دهد، پیش از تغییر کنش‌پذیر رخ می‌دهد.
- کنش‌گر (سبب‌ساز) (causer) منبع انرژی است و کنش‌پذیر (سبب‌پذیر) (causee) هدف انرژی و در رخداد سببی این انرژی از کنش‌گر به کنش‌پذیر انتقال می‌یابد.

ویلی (Whaley) (۱۹۹۷: ۱۹۴-۱۹۳) دربارهٔ ساخت‌های سببی می‌نویسد: «دو بند می‌توانند بدون آن‌که صریحاً رابطهٔ سببی‌سازی را نشان دهند، در کنار یکدیگر قرار گیرند و القاء‌کنندهٔ مفهوم سببی باشند. ممکن است یک حرف ربط زمانی خواننده یا شنونده را به سوی تعبیر و تفسیری سببی رهنمون کند و نیز ممکن است وجود حرف ربطی خاص که صریحاً سببی‌سازی را القاء می‌کند (حرف ربط سببی) مفهوم سببی‌سازی را به تصویر بکشد». در بیان زبانی و رمزگذاری مفهوم سببیت، شبباتانی (Shibatani) (۲۰۰۱) سه مختصه و رابطه را برمی‌شمارد:

۱- یک عامل (یا سبب‌ساز) که باعث می‌شود یا مجبور می‌کند فردی دیگر عملی را انجام دهد یا در شرایطی خاص قرار بگیرد.

۲- رابطهٔ بین دو رخداد (رخداد سبب‌ساز و رخداد سبب‌پذیر) به گونه‌ای است که گوینده باور دارد که وقوع رخداد سبب‌پذیر در زمان t_2 صورت گرفته است که پس از t_1 یعنی زمان رخداد سبب‌ساز است.

۳- رابطهٔ بین دو رخداد سبب‌ساز و سبب‌پذیر به گونه‌ای است که گوینده باور دارد که وقوع رخداد سبب‌پذیر کاملاً فیدبسته به وقوع رخداد سبب‌ساز است. بهرامی (۱۳۸۴: ۱۲) در معرفی ارکان اصلی ساخت‌های سببی می‌گوید: «هر ساخت سببی متشکل سه رکن سبب‌ساز (سبب)، سبب‌پذیر (مسبب) و فعل سببی (causative verb) است. سبب‌ساز در حقیقت عامل و محرک اصلی انجام عمل و پذیرفته‌شدن حالتی است. سبب‌ساز می‌تواند جاندار و یا بی‌جان باشد: یعنی شخص، شیء، حادثه و یا پدیده‌ای باشد که همان محرک و انگیزهٔ اصلی انجام کار است».

از آنجا که چارچوب نظری این پژوهش الگوی رده‌شناختی کامری (۱۹۸۹) است، می‌توان گفت، کامری (۱۹۸۹: ۱۷۱-۱۶۶) در کتاب خود به رده‌بندی مهمی از ساخت‌های سببی زبان‌های دنیا پرداخته است که در منابع متعددی به عنوان مرجع طبقه‌بندی واقع شده است. کامری (۱۹۸۹) معتقد است از آنجایی که مطالعهٔ ساخت‌های سببی شامل برقراری ارتباط بین نحو صوری (formal syntax) و تحلیل معنی‌شناختی است، پس می‌توان به دو نوع رده‌بندی صوری و معنایی قایل شد. در تحلیل صوری پارامترهایی از جمله ساخت‌واژه و واژگان و یا صورت نحوی لحاظ خواهد شد و در تحلیل معنایی عواملی هم چون مستقیم‌بودن یا غیرمستقیم بودن ساخت سببی از لحاظ معنی بررسی می‌شود. وی در بخش پارامترهای صوری به سه تمایز عمدهٔ تحلیلی ساخت‌واژی و واژگانی قایل است. وی

معتقد است زبان‌ها لزوماً در یکی از این سه دسته واقع نمی‌شوند و این طبقه‌بندی پیوستاری را تشکیل می‌دهد که از سببی‌های تحلیلی آغاز شده، در ادامه به سببی‌های ساخت‌واژی رسیده و نهایتاً سببی-های واژگانی طرف دیگر پیوستار مذکور را تشکیل می‌دهد.

سببی‌های تحلیلی.....سببی‌های ساخت‌واژی.....سببی‌های واژگانی

۴-۱. ساخت‌های سببی در ترکی آذری

زبان ترکی آذری زبانی از خانواده زبان‌های ترکی است که مردمان آذری در جنوب غربی آسیا عمدتاً در آذربایجان و سایر مناطق آذربایجانی‌نشین ایران و جمهوری آذربایجان بدان تکلم می‌کنند. این زبان در جمهوری آذربایجان زبان رسمی است. این زبان بخشی از شاخه‌ی زبان‌های اُغوز (Oghoz) زبان‌های ترکی است. ترکی آذربایجانی به عنوان زبان گفتاری همچنین در نواحی شرقی ترکیه و جنوب گرجستان و داغستان رایج است. منابع اصلی پژوهش حاضر از گونه‌ی ترکی آذری در منطقه‌ی شمال غرب ایران در استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی جمع‌آوری شده است.

۱-۱-۴. سببی ساخت‌واژی

این نوع سببی یکی از رده‌های سببی مطرح در الگوی کامری است که دارای دو مشخصه است: اول، صورت سببی با صورت غیرسببی خود توسط ابزارهای ساخت‌واژی (وندافزایی یا ابزار ساخت‌واژی ممکن دیگر) مرتبط می‌شود.^۱ دومین ویژگی سببی‌های ساخت‌واژی نمونه‌ی اعلا این است که رابطه‌ی میان صورت سببی و غیرسببی همواره زیاست، بدین معنی که در نوع ایده‌آل آن، به کمک ابزارهای ساخت‌واژی موجود، از هر صورت غیرسببی می‌توان صورت سببی بدست آورد. حتی می‌توان به ساخت‌های سببی موجود وند سببی را اضافه نمود و صورت سببی مضاعف بدست آورد (کامری، ۱۹۸۹: ۱۷۱-۱۶۶).

زیاترین و پرکاربردترین نوع سببی در زبان ترکی سببی ساخت‌واژی است. زبان ترکی به دلیل پیوندی بودن و نظام ساخت‌واژی قدرت‌مندی که دارد به راحتی هر نوع فعل غیرسببی را با افزودن وند سببی‌ساز به متناظر سببی خود تبدیل می‌کند. سببی ساخت‌واژی نوعی سببی تک‌بندی^۲ است. بنابراین با مراجعه به شمّ زبانی گویشوران ترک‌زبان مورد مصاحبه در این پژوهش می‌توان گفت که سببی ساخت‌واژی اولین ابزار رمزگذاری سببیّت در زبان ترکی است و ابزار ساخت‌واژی اولین مکانیسمی است که روی افعال سببی قرضی که از زبان‌های دیگر وارد زبان ترکی می‌شود، اعمال می‌گردد. برای مثال محمول سببی شکست در جمله‌ی جواد شیشه را شکست که محمول سببی متناظر ساخت‌واژی آن در زبان ترکی عبارتنداز: stun-dür-di. (خاموشش کرد) سببی ساخت‌واژی مانند الگوریتمی قانون‌مند اولین ابزاری کنترل‌کننده سببی‌سازی در واژگان قرضی است.

در مورد واژگان علمی قرضی باید گفت هنگامی که این واژگان از زبان فارسی وارد زبان ترکی می‌شوند، الگوی ساخت سببی آن‌ها نیز به همراه آن واژه وارد زبان ترکی می‌شود. تقریباً می‌توان گفت که اکثر انواع ابزارهای ساخت‌واژی زبان فارسی به نوعی وارد زبان ترکی نیز شده است. برای مثال، واژه اکسید شدن / کردن عیناً با همان صورت سببی تحلیلی وارد زبان ترکی شده است (Oksidolmax /elæmæx). تنها در چنین مواردی مکانیسم سببی ساخت‌واژی جای خود را به انواع دیگر می‌دهد. البته می‌توان گفت که زبان ترکی به طور بالقوه توان سببی‌سازی همهٔ افعال قرضی را با ابزار ساخت-واژی دارا می‌باشد و چه بسا متناظرهای ساخت‌واژی چنین افعال سببی قرضی در دیگر مناطق ترک‌نشین (مانند کشور جمهوری آذربایجان یا ترکیه) به کار برده می‌شود و زیاست^۳.

علاوه بر واژگان قرضی شاهد دیگر، مبنی بر این ادعا نحوهٔ ساخت سببی‌های مضاعف در زبان ترکی است. سببی مضاعف به دلیل کاربرد کمتری که دارد در لایه‌های درونی‌تر دستور زبان ترکی واقع شده است و کمتر دست‌خوش تغییراتی هم‌چون وام‌گیری دستوری از زبان‌های دیگر به‌خصوص فارسی شده است. سببی مضاعف تنها از طریق فرآیند ساخت‌واژی رمزگذاری می‌گردد. وندهای سببی‌ساز به ریشه اضافه شده و سببی مضاعف را می‌سازند. نبود ابزاری دیگر به جز ساخت‌واژه در تولید سببی مضاعف حاکی از آن است که سببی ساخت‌واژی اصیل‌ترین ابزار سببی‌سازی در زبان ترکی است، زیرا عملاً ساختار سببی مضاعف از نظر ساخت‌واژه عیناً مشابه ساختار سببی است و هنگام نندافزایی رفتاری کاملاً مشابه هم در سببی و هم در سببی مضاعف مشاهده می‌شود. نمودار ۱ را می‌توان به عنوان شاهدهی بر این ادعا ذکر کرد.

زبان پیوندی

زبان گسسته

سببی ساخت‌واژی

سببی تحلیلی

نمودار ۱: پیوستار بسامد وقوع انواع سببی‌ها بر اساس ردهٔ ساخت‌واژی (بهرامی، ۱۳۸۴: ۳۱)

جدول ۱: نمونه‌هایی از انواع افعال غیرسببی و متناظر سببی ساخت‌واژی آن‌ها

صورت غیرسببی	پسوند سببی‌ساز	صورت سببی
(مردن) œl	-dyr	œldyr (کشتن)
(خندیدن) gyl-mak	-dyr	gyl-dyr-mak (باعث خندیدن)
(دانستن) bil-	-dyr	bil-dyr-mak (باعث دانستن)

otur-mak (نشستن)	-t	otur-t-mak (نشاندن کسی)
boya-mak (رنگ زدن)	-t	boya-t-mak (رنگ کردن چیزی)
godɟ (گذاشتن)	-dur	godɟdur (گذاشتن چیزی در جایی)
dol (پر شدن)	-dur	doldur (پر کردن)

۱-۱-۴. قواعد ساخت واژی

در زبان ترکی وند سببی ساز /dUr/ یا /t/ را می‌توان به هر ریشه فعلی ممکن افزود و از صورت غیر سببی، ساخت سببی به دست آورد.

پسوند سببی /t/ نیز در مواقعی که ستاک فعلی به واکه، /l/ یا /r/ ختم شود به کار برده می‌شود.

مثال (۱): کاربرد پسوند -t در صورت فعلی غیر سببی و تبدیل آن به صورت سببی متناظر آن

otur-mak (نشستن) otur-t-mak (نشاندن)

boya-mak (رنگ کردن) boya-t-mak (وا داشتن کسی به رنگ کردن)

علاوه بر دو صورت پر کاربرد فوق، صورت‌های Art, Ar, Ir, It نیز به ریشه فعلی افزوده شده و فعل سببی تولید می‌کنند که تقریباً وقوع همه آن‌ها با توجه به شکل ریشه، قابل پیش‌بینی و قاعده‌مند است.

۱) dIr: godɟdur, celdyr, doldur.

۲) t: daralt (باریک‌تر کردن چیزی), oɟat (بیدار کردن)

۳) It: gorxut (ترساندن)

۴) Ir: piɟir (پختن چیزی)

۵) Ar: gcetyr (عزل کردن)

۶) Art: tɟækyrt (له کردن)

گوکسل (Goksel) و کرسلیک (Kerslake) (۲۰۰۵: ۷۱) ترتیب وقوع این پسوندها را این‌گونه توصیف می‌کنند: «حدود سی ریشه تک‌هجایی که بیشتر آن‌ها غیرمتعدی هستند با یکی از

صورت‌های /ar/, /ir/, /it/ و /art/ ترکیب می‌شوند. ریشه‌های چندهجایی که به واکه /l/ یا /t/ ختم می‌شوند با /t/ ترکیب می‌گردند و بقیه ریشه‌ها dUr را به کار می‌برند).

از آنجایی که امکان وقوع بیش از یک وند سببی در ریشه فعلی وجود دارد، صورت هر وند سببی در ترکیبات ممکن از قواعد فوق پیروی می‌کند، از این‌رو در ادامه پسوندهای -Ar, -Ir, dUr وند t واقع می‌شود (چون این وندها به /t/ ختم می‌شوند؛ و در ادامه پسوندهای /Art/, /t/ وند dUr قرار می‌گیرد).

مثال (۲):^۵

piʃir -t -dir -d -i^۶
 cook -CAUS - CAUS -PAST.3SG
 (s)he made s.o. (made s.o.)^۷ cook (s.th.)

او داد آن را بیزند.

مثال (۳): نمونه‌ای از کاربرد یک جمله غیرسببی و متناظر سببی ساخت‌واژی آن

a) hasan at -amin -d -i.
 hasan(NOM) horse (DAT) get on -PAST.3SG

حسن سوار اسب شد.

a) ali hasan -I at- amin -dir -d -i
 ali (NOM) hasan -ACC horse -DAT get on - CAUS -PAST.3SG

علی باعث شد حسن سوار اسب شود.

۲-۱-۴. سببی تحلیلی

فعل سببی تحلیلی یا مرکب به فعلی گفته می‌شود که احتیاج به يك جمله متمم دارد؛ به عبارت دیگر، ساختی که آن فعل در آن ظاهر می‌شود، همیشه دارای يك جمله پایه و یک جمله پیرو متمم است (دبیرمقدم: ۱۳۸۴: ۲۰). سببی‌های تحلیلی ساختار سببی مهم دیگری هستند که در زبان ترکی برای رمزگذاری سببی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این گونه سببی‌ها در زبان‌های جهان طبیعی محسوب نمی‌شوند و بسامد کاربرد بسیار کمتری نسبت به سایر ساخت‌های سببی دارند (کامری، ۱۹۸۹: ۱۶۷). در اصل در زبان پیوندی ترکی سببی تحلیلی وجود ندارد و این بخش از سببی‌ها از زبان فارسی وارد این زبان شده است. این نوع سببی هم در زبان فارسی و هم در زبان ترکی نوعی سببی دویندی محسوب می‌شود. ساختار این نوع سببی‌ها در زبان فارسی به صورت فعل مرکب است. همان‌طور که ویلی (۱۹۹۷: ۱۹۲) معتقد است زبان‌های تک‌هجایی از نظر ساخت‌واژی تمایل به استفاده از سببی‌های تحلیلی دارند و زبان‌های پیوندی (مانند ترکی) گرایش دارند از سببی‌های ساخت‌واژی بهره جویند.

آهنگر (۱۳۸۷) معتقد است در زبان فارسی این گروه از سببی‌ها با سببی‌های همکردی تفاوت دارند و در دسته‌ای مجزا طبقه‌بندی می‌شوند. در سببی‌های همکردی هم ساخت غیرسببی و هم ساخت سببی به کمک تغییر همکرد فعل ساخته می‌شود، برای مثال جفت خراب شدن / خراب کردن که اولی ساخت غیرسببی و دومی ساخت سببی است، و این تغییر ماهیت محمول نتیجه‌ای تغییر جزء همکردی فعل است. اما در سببی تحلیلی، محمول سببی، علی‌رغم اینکه ساختی مشابه ساخت فعل سببی همکردی دارد، اما یک صورت بیشتر ندارد که آن هم سببی است و ایفاد معنای سببیت از محمول حاصل تحلیل واژه‌های فعل است، و به همین دلیل آن را سببی تحلیلی می‌نامند و به عبارت دیگر تحلیل جمله به اجزای سازنده مفهوم سببیت را متبادر می‌نماید.

رایج‌ترین انواع سببی‌های تحلیلی در زبان ترکی عبارتند از:

bais olmax 'to cause' (باعث شدن)

bani olmax 'to cause' (بانی شدن)

sabab olmax 'to cause' (سبب شدن)

با توجه به مشاهدات نگارندگان، معادل‌های فارسی و مقایسه صورت سببی با صورت ترکی گویای این نکته است که سببی‌های تحلیلی موجود در زبان ترکی بیشتر وام‌گیری ساختاری از زبان فارسی است تا وام‌گیری واژگانی. بدین معنی که عین ساختار سببی افعال مرکب مانند باعث شدن / بانی شدن / سبب شدن از زبان فارسی وارد ترکی شده است، که این حالت را گرته برداری می‌نامند. زبان ترکی به دلیل غنای ساخت‌واژی بالایی دارد که ذاتاً فاقد افعالی مانند افعال مرکب است و حجم بالای افعال مرکب که از زبان فارسی وارد زبان ترکی آذری شده است حاکی ارتباط زیاد دو زبان است. سه فعل سببی تحلیلی فوق به ترتیب کاربرد در زبان نوشته شده است و فعل bais olmax بیشتر از دو مورد دیگر به کار برده می‌شود.

مثال (۴):

a) ali yat -d -i
ali(NOM) sleep -PAST.3SG

علی خوابید.

b) man bayis ol -du -m (ci) Ali yat -a
1SG(NOM) cause PAST.1SG (COMP) Ali(NOM) sleep -INFL.3SG

من علی را مجبور کردم بخوابد.

همان‌طور که از مثال (۴) نیز مشخص است جمله سببی تحلیلی ارائه شده معادل جمله فارسی من باعث شدم که علی بخوابد است و در این جمله مفهوم سببیت توسط عبارت باعث شدن بیان گردیده است.

a) man yat -di -m
1SG (NOM) sleep -PAST .1SG

من خوابیدم.

b) o bayis ol -di (ci) man yat -a -m
3SG(NOM) cause -PAST.3SG (COMP) 1SG(NOM) sleep -INFI .1SG

او مرا مجبور کرد بخوابم.

این گروه از سببی‌ها در زبان ترکی، فاقد متناظر غیر سببی هستند، در زبان ترکی به دلیل ماهیت و اصالت ساخت‌وازی، این گروه از افعال قرضی نیز همانند دیگر افعال یک‌واژه‌ای به کار برده می‌شوند. بدین معنی که فعل سبک با ماهیت عامل‌گری در این گروه از افعال تهی است و ماهیت انتزاعی دارد. تنها تفاوت آن با افعال واژگانی در این است که این گروه از افعال، همانند فارسی، دارای بند متممی هستند.

۱-۲-۱. ساخت سببی مرکب

ساخت‌های سببی مرکب زیرمجموعه‌ای از سببی‌های تحلیلی هستند. این سازه‌ها دارای سه ویژگی می‌باشند که باعث می‌شد آن‌ها را در طبقه‌ای متمایز از سببی‌های تحلیلی و یا حداقل در زیرمجموعه‌ای از آن‌ها جای داد. این سه ویژگی عبارتند از: اول این که بیان عمل سبب‌ساز (و یا محمول سبب) و بیان عمل سبب‌پذیری تغییر حالت و وضعیت (یا محمول اثر) باید در بندهای مجزا صورت پذیرد و به اصطلاح جمله سببی دوبندی باشد. دوم اینکه عبارت اسمی سبب‌ساز و محمول سبب باید برجسته‌سازی گردد و در عین حال عبارت اسمی سبب‌پذیر و محمول آن در پس‌زمینه (foregrounded) واقع شود. این برجسته‌سازی به وسیله بیان عمل سبب‌ساز قبل از عمل سبب‌پذیر میسر می‌شود. سوم و مهم‌تر اینکه بیان عمل سبب‌ساز نباید دارای معنایی غیر از مفهوم سببی باشد. برای مثال در انگلیسی فعل «have» دارای معانی متعددی از جمله خوردن / داشتن است، درحالی‌که در جملات سببی که با استفاده از این افعال ساخته می‌شود، چنین معانی از آن‌ها ایفاد نمی‌گردد. از سه ویژگی مذکور، دو ویژگی اول مشترک با سببی‌های تحلیلی است و گاهی به همین دلیل در منابع میان سببی تحلیلی و سببی سازه غیرصرفی (periphrastic construction) تمایزی ایجاد نمی‌شود، اما اگر ویژگی سوم را باریک‌بینانه‌تر بررسی کنیم، باید به رده‌ای مجزا از سببی تحلیلی نیز قایل بود. بر طبق ویژگی سوم بیان عمل سبب‌ساز نباید دارای معنای دیگری غیر از معنا و مفهوم سببی باشد. برای نمونه در زبان فارسی هنگامی که می‌گوییم من باعث شدم که علی به دانشگاه راه یابد فعل سببی «باعث شدن» همواره دارای یک معنی است و آن هم بیان مفهوم سبب است، ازاین‌رو چنین ساختی را در رده سببی تحلیلی جای می‌دهیم. اما در جمله بچه‌ها رو گذاشتم حیاط را تمیز کن فعل سببی «گذاشتم»

در بافت‌های دیگر (کتاب‌ها رو گذاشتم رو میز) دارای معانی متفاوتی است و در بافت مذکور معنای سببی گرفته است.

ساخت‌های سببی مرکب رفتاری مشابه فعل واژگانی دارد، اما آن را نمی‌توان سببی واژگانی در نظر گرفت و تفاوت‌های بنیادین با سببی واژگانی دارد از جمله اینکه دارای بند متممی است و رفتار نحوی آن مشابه سببی تحلیلی است تا سببی واژگانی اما گروه‌های فعلی ساخت‌های سببی مرکب نیز مانند سببی‌های تحلیلی ماهیت هسته‌آغازین دارند. مثلاً در جمله تحلیلی «من باعث شدم علی بخوابد» عبارت باعث شدن به صراحت مفهوم سببیت را نشان می‌دهد، اما در عبارت «من دو نفر را گذاشتم تا کارها را تمام کنند» واژه «گذاشتن» دارای معنی خاصی نیست یا در مثال انگلیسی I had two people finished the works (که معادل مثال فارسی) است، واژه «had» دارای معنی خاصی نیست و این کل جمله است که مفهوم سببیت را نشان می‌دهد. سازه غیرصرفی سببی دوبندی محسوب می‌شود. در زبان ترکی فعل godğ (گذاشتن) یک ساخت سببی مرکب در زبان ترکی است که معادل «have» یا «let» انگلیسی و معادل «گذاشتن» در فارسی است که احتمالاً هم‌چون سببی تحلیلی «باعث شدن» از فارسی وارد این زبان شده است.

مثال (۵):

man iki nafa -i godğ -d -um (ci) iŋ -lar -i
 kutar -a -lar
 i(NOM) two people-(ACC) have -PAST.1SG (COMP) work -PLUR-ACC
 finish-INFL -PLUR

دادم دو نفر کارها را تمام کنند.

۳-۱-۴. سببی واژگانی

رده سوم ساخت‌های سببی که کامری در زمره پارامترهای صوری بررسی کرده است، سببی‌های واژگانی هستند که نمونه بارز آن جفت‌های مکمل (suppletive pairs) در زبان انگلیسی (die/ kill) و همین‌طور در فارسی (مردن / کشتن) است. مهم‌ترین نکته در مورد سببی‌های واژگانی این است که آن‌ها به توصیف تغییر حالت یا وضعیت یکی از شرکت‌کنندگان می‌پردازند (لوین (Levin) و هواو (Hovav)، ۱۹۹۴). تنها موارد معدودی از سببی واژگانی در زبان ترکی مشاهده می‌شود، اما حضوری اثبات شده و غیرقابل انکار دارد. در این موارد واژه غیرسببی، غیرمتعددی است و متناظر سببی آن قاعداً متعددی خواهد بود. این نوع سببی‌ها در گروه سببی‌های تک‌بندی طبقه‌بندی می‌شوند.

جدول ۲: غیرسببی و سببی واژگانی

غیرسببی	سببی
gir (وارد شدن)	sal, bas (وارد کردن / درج کردن)
dyf (افتادن)	at (انداختن)

مثال (۶):

a) elnaz dyf -d -i.
Elnaz(NOM) fall -PAST.S3G

الناز افتاد.

b) reza elnaz -I at -d -i.
Reza(NOM) elnaz -i(ACC) throw -PAST.S3G

رضا النا را انداخت.

به دلیل قلت سببی‌های واژگانی برخی زبان‌شناسان حتی زبان ترکی را فاقد سببی واژگانی برمی‌شمارند، برای مثال، دهقانی (۱۹۹۹: ۲-۱) در رده‌بندی انواع سببی‌ها در ترکی آذری، تنها سببی‌های تحلیلی و ساخت‌واژی را برمی‌شمارد اما اشاره‌ای به سببی واژگانی نمی‌کند. اما نبی‌فر (۲۰۱۲) سببی واژگانی را رده‌شناخته شده‌ای در ترکی آذری می‌داند و با بررسی ساخت‌های سببی در دستور نقش و ارجاع معتقد است سببی‌های واژگانی که به طور ضمنی بیانگر سببیت مستقیم (direct causation) هستند، دارای یک گزاره‌ی کانونی (focus predicate) در صورت بی‌نشان می‌باشند، اما در صورت نشان‌دار از صورت‌های جمله-کانونی (sentence-predicate) و محدود شده برخوردارند و در اغلب موارد بندهای فعلی جزء انواع «پایا» و «گذرا» هستند^۴.

۴-۱-۴. سببی همکردی

این نوع سازه‌ها نیز به تبعیت از افعال همکردی فارسی وارد زبان ترکی شده اند^۵ و تک‌بندی هستند. برای مثال می‌توان جفت همکردی مریض شدن / کردن را نام برد^۶ که عیناً در زبان ترکی به کار برده می‌شود و حتی صورت ساخت‌واژی موجود برای این مفهوم که با واژه «مریض» به اضافه‌وند سببی‌ساز ساخته می‌شود، در اثر مجاورت زبان فارسی، دیگر کاربرد خود را نزد ترک‌زبانان از دست داده است و به جای آن از صورت همکردی استفاده می‌کنند.

مثال (۷):

a) man mariz ol -d -uum.
i (SUBJ) sick get -PAST.1SG

من مریض شدم.

۱۰۴ فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، سال ۵، شماره ۳، شماره پیاپی ۲۵، پاییز ۱۳۹۸

b) bu hava man -i mariz ela -d -i.
this(DET) weather me -DAT sick make -PAST .3SG

این هوا مرا مریض کرد.

جدول ۳: موارد دیگری از این گروه از افعال سببی را در دو حالت سببی و غیرسببی نشان می‌دهد.

غیرسببی	سببی
ot tut-max (شیرین گرفتن)	ot vtuur-max (شیرین زدن)
firin ol-max (شیرین شدن)	firin ela-max (شیرین کردن)
xarab ol-max (خراب شدن)	xarab ela-max (خراب کردن)

در ساخت گزاره‌های سببی همکردی، با جفت سببی و غیرسببی سروکار داریم که تفاوت آن‌ها در همکرد فعل است. به عبارت دیگر بار اصلی سببی‌سازی در چنین گزاره‌هایی به دوش همکرد است، از این رو می‌توان همکردی را که در گزاره‌ی سببی به کار برده می‌شود به عنوان فعل سبک در نظر گرفت.

۵-۱-۴. سببی گفتمانی

آخرین نوع سببی موجود در زبان ترکی عبارتند از سببی گفتمانی که در اثر مجاورت جملات گفتمان، بدون داشتن ساختاری مشخص و صرفاً از روی معنی کل گفتمان ساخته می‌شود. در سببی‌های دو بندی یک بند درون بند دیگر لانه‌گیری می‌کند. در مورد سببی‌های گفتمانی ارائه ساختاری منسجم نیازمند تحقیقات گسترده‌تری است اما ساختار این نوع از سببی‌ها به گروه سببی‌های دو بندی مشابهت بیشتری دارد.

مثال (۸):

reza gafah dars -a bax -ma -d
-i
reza(NOM) good study -ACC look -NEG -
PAST .3SG

onajor -a danişgah -dan gabul olma -d -i.
then -ACC university -DAT accept get -PAST .3SG

رضا خوب درس نخوانده بود، در نتیجه نتوانست در دانشگاه قبول شود.

شاید بتوان گفت که همه زبان‌ها به نوعی دارای سببی گفتمانی هستند، زیرا این نوع سببی حاصل مجاورت (Juxtaposition) عناصر درون کلام است، اما چون فاقد صورت ساخت‌واژی قابل استنادی است در بیشتر منابع (از جمله کامری، ۱۹۹۲) به عنوان رده‌ای مستقل شناخته نمی‌شود.

۶-۱-۴. ساخت سببی مضاعف

در زبان ترکی به طور بالقوه می‌توان بیش از یک بار وند سببی‌ساز را به ریشه فعلی افزود و مجدداً فعل سببی ساخت. در وهله اول این وند به ریشه غیرسببی افزوده شده و با افزایش یک ظرفیت به محمول، فعل سببی تولید می‌کند، در مرحله دوم مجدداً وند سببی‌ساز به ریشه فعل سببی افزوده شده و سببی مضاعف تولید می‌کند. می‌توان برای بار سوم نیز وند سببی‌ساز را به ریشه فعل سببی مضاعف افزود. به طور بالقوه محدودیتی برای این افزایش وجود ندارد و حتی نمونه‌های آن را در زبان بازی‌های شاعران و کودکان و عامه ترک‌زبانان می‌توان یافت. این ویژگی نادر که تنها در برخی از زبان‌های جهان وجود دارد^{۱۱} سببی مضاعف نامیده می‌شود.

مثال (۹):

۱) man iʃla -di -m
I work -PAST .1SG

من کار کردم.

۲) man maʃtun -u iʃla -t -di -m
I machine -ACC work -CAUS -PAST .1SG

من باعث شدم آن دستگاه کار کند (من آن دستگاه را به کار انداختم).

۳) man maʃtun -I iʃla -t -dir -di -m
I machine -ACC work -CAUS -CAUS -PAST .1SG

'I made someone make the machine work.'

۴) man...maʃtun -I iʃla -t -dir -t -di -m
I machine -ACC work -CAUS -CAUS -CAUS -PAST .1SG

من دادم آن دستگاه را به کار ببندازند.

گوکسل و کرسلیک (۲۰۰۵: ۱۳۳) از لحاظ معنایی حالت‌های مختلف زیر را برای سببی مضاعف برمی‌شمارند: اول اینکه افزوده شدن هر وند سببی به فعل و به تبع آن اضافه‌شدن یک موضوع به ظرفیت محمول، نشان دهنده اضافه‌شدن مفهوم یک واسطه یا سبب‌ساز است (در زبان ترکی حداکثر تا چهار موضوع به موضوع‌های محمول می‌توان اضافه نمود).

مثال (۱۰):

ayadz -i kas -dir -t -d -im
tree -ACC cut -CAUS -CAUS -PAST .1SG

من باعث شدم آن درخت را ببرند.

دوم اینکه گاهی سببی مضاعف به مفهوم استمرار و تداوم و یا همیشگی بودن عملی از سوی سبب‌ساز است.

مثال (۱۱):

o har il af piʃir -t -dir -ei
(s)he every year soup cook -CAUS -CAUS .3SG

او هر سال سوپ درست می‌کند.

و سوم اینکه گاهی تفاوتی بین سببی و سببی مضاعف آن از لحاظ معنایی وجود ندارد و بیشتر به جهت تاکید روی سببیت است که سببی مضاعف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مثال (۱۲):

maʃtun -u gair -t -dir -d -i
machine -ACC repair -CAUS -CAUS -PAST .3SG

او داد ماشین را تعمیر کنند.

در گفتار غیررسمی اضافه کردن وند سببی سوم (یک وند بیشتر از سببی مضاعف) بیشتر به جهت نشان دادن سببیت سبب‌ساز است و به عبارت دیگر نقش تاکیدی دارد تا اینکه اضافه شدن واسطه‌ای را نشان دهد.

مثال (۱۳):

man adtun -I magali -a vuur -dtur -t -dtur -d
-m
I name -ACC paper -ABL print -CAUS -CAUS -CAUS -PAST
.1SG

من باعث شدم نامم در مقاله درج شود.

زبان ترکی به طور بالقوه قادر است بیش از دو بار وند سببی‌ساز را با توجه به قواعد ساخت‌واژی به ریشه افزوده و سببی مضاعف تولید نماید (مثال ۱۴)، اما با توجه به دشواری تلفظ و اینکه دیگر تمایز قابل ملاحظه‌ای در معنی ایجاد نمی‌شود این ساخت‌ها به کار برده نمی‌شوند.

مثال (۱۴):

۱) celmak = “مردن”

۲) celdyrmak = “کشتن”

۳) $\text{\ae}ldyrtmak = \text{“باعث مرگ کسی شدن”}$

۴) $\text{\ae}ldyrttyrmak = \text{“واداشتن کسی به کشتن دیگری”}$

۵) $\text{\ae}ldyrttyrtmak = \text{“کسی باعث شود کس دیگری فردی را بکشد”}$

سببی مضاعف می‌تواند حداکثر تا چهار موضوع را بپذیرد.

مثال (۱۵):

ali naman i - dostu -na ana -s uu -naçgaz -dit -dir
-d -i.

Arg1 Arg2 Arg3 Arg4

Ali (NOM) letter-ACC friend -DAT mother -INFL -ABL write -CAUSE -
CAUSE -PAST .3SG.

علی داد دوستش یک نامه برای مادرش بنویسد.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده این پژوهش در راستای مطالعات انجام شده در ساخت‌های سببی زبان ترکی است. با توجه به ساختار پیوندی زبان ترکی، سببی ساخت‌واژی رایج‌ترین و زیاده‌ترین ابزاری است که زبان ترکی برای رمزگذاری مفهوم سببیت از آن بهره می‌جوید. مواردی نادر اما اثبات شده از حضور سببی واژگانی نیز در این زبان وجود دارد که برخی محققان حتی حضور این نوع سببی‌ها را در زبان ترکی تصادفی می‌دانند. سببی‌های تحلیلی نوع رایج دیگری از سببی‌هاست که محصول برخورد زبانی بین فارسی و ترکی است، و این روند ورود، یا گرت‌برداری، انواع سببی‌ها با ساخت فارسی رو به فزونی دارد که مسلماً حاصل ارتباطات اجتماعی در حال رشد بین دو زبان و غلبه‌ی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زبان فارسی است. از دیگر انواع سببی‌های با ساخت فارسی در زبان ترکی می‌توان به سببی‌های همکردی اشاره کرد که متشکل از یک جزء ریشه و یک فعل همکردی (یا همان فعل سبک) است. نگاهی باریک‌بینانه‌تر حضور سببی‌های سببی را مشخص می‌کند که متفاوت از سببی‌های تحلیلی هستند و می‌توان آن‌ها را سازه‌های غیرصرفی نامید که کارکردی کاملاً سببی در زبان دارند. و در نهایت سببی گفتمانی است که حاصل چینش جملات متعدد در کنار هم و ایفاد معنای سببی است. البته سببی گفتمانی را با این تعریف در هر زبانی می‌توان یافت و رده‌ای مختص زبان ترکی، یا چند زبان محدود نیست. به همین دلیل محققانی همچون کامری (۱۹۸۹) این نوع سببی را به عنوان رده‌ای مشخص برنمی‌شمارند. اما چون هدف این پژوهش بیان انواع ابزارهای رمزگذاری در

زبان ترکی آذری است، به همین دلیل به وجود این نوع سببی‌ها نیز به عنوان رده‌ای مجزا قائل شدیم. علاوه بر این، گزاره‌های سببی مضاعف نیز می‌تواند حتی تا چهار موضوع را بپذیرند. به عبارتی، با افزودن بیش از دو بار وند سببی‌ساز با توجه به قواعد ساخت‌واژی به ریشه سببی مضاعف تولید می‌شود، اما با توجه به دشواری تلفظ و اینکه دیگر تمایز قابل ملاحظه‌ای در معنی ایجاد نمی‌شود این ساخت‌ها به کار برده نمی‌شوند.

ساخت سبب مضاعف با توجه به این که تنها در برخی از زبان‌ها وجود دارد و با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد معنایی و نقشی مورد کاوش قرار نگرفته است، نیاز به بررسی‌های بیشتری مانند بررسی نحوی دارد. همچنین در این پژوهش، ساخت‌های سببی از دیدگاه رده‌شناسی کامری (۱۹۸۹) بررسی گردید، اما از سایر دیدگاه‌ها از جمله علوم‌شناختی یا نظریه‌های نقش‌گرا مورد بررسی واقع نشده است. ساخت‌های سببی ترکی در اثر مجاورت زبانی با زبان‌های دیگر، علی‌الخصوص فارسی، تأثیرات فراوانی پذیرفته است. این تغییرات در اثر مجاورت زبانی در مباحث نحوی یا جامعه‌شناسی زبان نیز قابل بررسی است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- مانند «پریدن» و «پراندن» در فارسی
- ۲- سببی‌ها بر اساس اینکه مفهوم سببیت در یک بند (با یک محمول) یا در دو بند (لانه‌گیری شده) بیان شده باشد، به دو دسته تک‌بندی (mono-clausal) و دو بندی (bi-clausal) طبقه‌بندی می‌شوند (قلی‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۲-۳۳).
- ۳- برای نمونه برای فعل Oksidolmax / elamax می‌توان صورت سببی oksid-lan-dur-max را نام برد.
- ۴- واکه وند سببی‌ساز با حرف بزرگ نشان داده شده است زیرا از لحاظ بسامد وقوع واج /U/ بی‌نشان‌ترین حالت وقوع این واکه در زبان ترکی است، اما به لحاظ همگونی با همخوان پیش از خود می‌تواند به صورت بی-واک (/t/) نیز واقع شود. در ضمن به دلیل وجود فعال قاعده هماهنگی واکه‌ای در زبان ترکی واکه این وند به صورت‌های پسین نیز در هماهنگی با واکه ریشه فعل ظاهر می‌شود. با ترکیب دو حالت فوق می‌توان به طور کلی وقوع وند سببی‌ساز ترکی را می‌توان این‌گونه نشان داد: -dur-/-tur-، -dur-/-tuur-، -dir-/-tir-، -tyr- /-tyr. مانند gyl-dyr-mak (خنداندن).
- ۵- در جمع‌آوری مثال‌های این پژوهش از مصاحبه با گویشوران بومی و ضبط صدای آن‌ها استفاده شده است.
- ۶- مثال‌های این پژوهش از نگارندگان می‌باشند.
- ۷- عبارت سببی دوم درون پراتتز واقع شده است زیرا گاهی معنای سببی و سببی مضاعف در زبان ترکی یکسان است.

بررسی رده‌شناختی ساخت‌های سببی در ترکی... (ص ۹۱-۱۱۲)-----پریا رزمیدیه و همکار ۱۰۹

۸- در دستور نقش و ارجاع برای نمایش واژگانی «نوع عمل» (action sort) استفاده می‌شود که توسط وندلر (Vendler) (۱۹۶۷) مطرح شد. بر اساس این مفهوم افعال به چهار گروه «ایستا»، «گذرا»، «پایا» و «کنشی» تقسیم می‌شوند اسمیت (Smith) (۱۹۹۷) طبقه دیگری به این افعال می‌افزاید که «تک‌وقوعی» (semelfactive) نام دارد (معزی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۰۲-۱۰۱).

۹- در زبان فارسی این گروه از افعال مجهول مبهم نیز نامیده می‌شوند.

۱۰- موارد دیگر در زبان فارسی عبارتند از خراب شدن / خراب کردن، گم شدن / گم کردن، باز شدن / باز کردن....

۱۱- زبان‌هایی از جمله نیالی، بانتو در آنگولا و کنگو، زبان‌های پانو در پرو را می‌توان مثال زد که دارای سببی مضاعف هستند. مثال زیر از نیالی:

brɔhɔri-le Mary-lai bɔʃʃi-lai kʰir kʰwaunɔ ɪɔɑɔʒo
 police-S Mary-IO baby-IO porridge-(DO) eat -CAUSE cause
 پلیس مری را مجبور کرد به بچه فرنی بدهد.

جدول ۴: راهنمای نشانه‌های اختصاری

صورت کوتاه	صورت کامل	معادل فارسی
NOM	Nominative	(حالت) فاعلی
ACC	Accusative	(حالت) رایی
PAST	Past tense	زمان گذشته
3SG	Third person singular	سوم شخص مفرد
CAUS	Causative	سببی
Arg	Argument	موضوع
ABL	Ablative	(حالت) ازی
1SG	First person singular	اول شخص مفرد
INFL	Inflection	تصرف
COMP	Complement	متمم‌نما
PLUR	Plural	پسوند جمع
S/SUBJ	Subject	فاعل
DET	Determiner	حرف تعریف
DAT	Dative	(حالت) برایی
NEG	Negative	پیشوند نفی
IO	Indirect object	مفعول غیر مستقیم
DO	Direct Object	مفعول مستقیم

منابع

کتاب‌ها

- خوش‌باطن، حسین (۱۳۸۵)، *مطالعه ساختار نحوی زبان ترکی از دیدگاه رده‌شناسی*، تبریز: نشر سهیل.

- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۰)، *راهنمای درست‌نویسی و ویراستاری*، چاپ دوم، تهران: نشر علم.

پایان‌نامه‌ها

- بهرامی‌خورشید، سحر (۱۳۸۴)، «ساخت‌های سببی در زبان فارسی، رویکردی شناختی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

- قلی‌زاده، اکبر (۱۳۸۵)، «ساخت موضوعی گروه فعلی زبان ترکی آذری براساس نحو ایکس تیره»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

- معزی‌پور، فرهاد (۱۳۸۸)، «بررسی ساخت اسنادی‌ساز در زبان فارسی بر پایه دستور نقش و ارجاع»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقالات

- آهنگر، عباسعلی (۱۳۸۷)، «تحلیل پوسته‌ای گروه فعلی در زبان فارسی بر پایه برنامه کمینه‌گرا»، *مجله زبان و زبان‌شناسی*، دوره چهارم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۱-۲۶.

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۸)، «ساخت‌های سببی در زبان فارسی»، *مجموعه مقالات پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی*، چاپ دوم: مرکز نشر دانشگاهی، صص ۱۲-۷۵.

منابع لاتین

Books

- Comrie, Bernard, (1989), **Language Universals and Linguistic Typology**, Oxford: Blackwell Publishers. Second Edition.
- Comrie, Bernard, (1992), **language Universal and Linguistic Typology: syntax and morphology**, England: Blackwell Press.
- Deghani, Yavar, (2000), **A grammar of Iranian Azari**, Lincom Europa, Germany.
- Goksel, Asli & Kerslake, Celia, (2005), **Turkish a Comprehensive Grammar**, London and New York: Routledge.
- Shibatani, Masayoshi. (ed.), (2001), **The grammar of causation and interpersonal manipulation**, Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins.
- Smith, Carlott, (1997). **The Parameter of Aspect**, 2th. Edn, Dordecht: Reidel.

- Van Valin, Robert. D. Ji. & Lapolla, Randy J, (1997), **Syntax: Structure. Meaning and Function**, Cambridge University Press.
- Vendler, Zeno, (1967), **Linguistics in Philosophy**, Ithaca: Cornell University Press.
- Whaley, Lindsay. J, (1997), **Introduction to Typology. The Unity and Diversity of Language**, Thousand Oaks: Sage Publication.

Dissertation

- Dehghani, Yavar, (1999), "Causative Constructions in Persian and Azeri". **from Ph.D. thesis.**

Article

- Nabifar, Nesa & Hadidi Tamjid, Nasrin, (2010), "Similarities and Differences between Lexical and Complex Causatives in Azeri Turkish", **American Journal of Scientific Research**, 60: 75 – 88.